

# لزوم عقیده و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان

عبدالحکیم عثمانی

که از قبل در ذهن فرد نقش بسته است به مثابه اهرمهایی هستند که اعمال وی را جهت می دهند و زمینه تحقق و وجود آنها را فراهم می نمایند. در اصطلاح شرع به اینگونه باورها و مفاهیم ذهنی «اعتقادات» می گویند که از اهمیت ویژه و جایگاه ممتازی برخوردارند. برای روشن تر شدن جایگاه عقیده در وجود فرد می توان رابطه عقیده را با سایر اعمال و کردار این گونه تشبیه نمود، که عقیده مانند دستگاه و موتور است که تمام حرکات و تصرفات فرد را حتی احساسات و انگیزه های درونیش را تنظیم می نماید، که با از کار افتادن عقیده و معطل ماندن آن شکاف عمیق و خلل جبران ناپذیری در اعمال وی پدید می آید و وجود عقیده در کالبد انسان مانند روحی است که به وی حیات و نشاط می بخشد و اعمالش را زنده و تازه می گرداند، و عقیده از چنان حرارتی برخوردار است که بسا اوقات، تا مسافتهای دور انسانهای مرده دل و خاموش را به وجد می آورد و زنده می گرداند، و عقیده از چنان نور و ضیایی بهره مند است که به شهادت قرآن، تاریکیهای راه را می زداید و در پیچ و خم مسیر زندگی صاحبش را رهنمون می باشد.

﴿أَوْ مِنْ كَانِ مِيتًا فَاحْيِينَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾ (۱)

ترجمه: آیا کسی که مرده است و ما او را زنده گردانیدیم و در اختیار او نور قرار داده ایم که توسط آن در بین مردم راه می رود مانند کسی است که در تاریکیهاست و از تاریکیها خارج نیست.

اگر حرکات و عملکرد عادی خویش را، در زندگی ملاحظه نماییم و در آنچه از ما سر می زند و آنچه خود را از ارتکاب آن باز می داریم دقت نماییم، و همین طور تمام تصرفاتی که خود را ملزم به انجام یا ترک آنها می دانیم، و یا آنچه مورد علاقه ماست که بر آن محبت می ورزیم و در صدد بدست آوردن و یا نزدیک شدن به آن هستیم و آنچه از آن ترس و بیم داریم و در صدد اجتناب و دور شدن از آن هستیم و امثال این موارد را اگر با دیدی عمیق تر مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه خواهیم رسید که تمام اعمال و تصرفات ما زاینده مفاهیم و باورهایی است که در وجود ما ریشه دوانده است و در اعماق دل و دماغ ما رسوخ نموده است. و این باورها اصولاً از چنان نفوذ و قدرتی برخوردارند که تک تک اعمال و کردار ما را جهت می دهند و به مشکل می توان فردی را بر خلاف آنچه باور دارد و اعتقاد دارد وادار نمود. به عنوان مثال هیچ فرد عاقلی هرگز به مجرد خواستن از وی که خود را در آتش بیندازد نخواهد انداخت. مگر در صورت اجبار و اکراه که آن هم قدرت فوق العاده لازم دارد.

اما اینکه چرا فرد مزبور به سادگی تسلیم آتش نمی شود؟ بدیهی است که باوری که وی از آتش دارد و تصویری که از سوزاندن آن در ذهنش وجود دارد به وی اجازه نمی دهد تا خود را در آتش بیندازد، و همینطور باوری که فرد از یک لیوان آب آلوده به سم دارد هیچگاه به وی اجازه نمی دهد تا آب لیوان آلوده را سرکشد.

با این توضیح روشن شد که باورها و برداشتها و مفاهیمی

بنابر این، عقیده آن روح و حیاتی است که از دست دادن آن، به منزله از دست دادن زندگی و محروم شدن از حق حیات است. امروز یکی از عمده‌ترین وظایفی که کمتر به آن توجه می‌شود و در مواردی به طاق نسیان سپرده شده است مسئله تصحیح و فراگیری عقیده می‌باشد اگر چه تعلیم و تعلم احکام از واجبات و وظایف این امت می‌باشد اما تصحیح عقیده که اساس و ریشه تمام احکام می‌باشد باید قبل از هر چیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا درختی که ریشه‌اش خشک و سست باشد چگونه می‌تواند شاخ و برگ و میوه داشته باشد و خانه‌ای که پایه‌اش متزلزل باشد چگونه می‌تواند سقف سنگین را تحمل نماید و بدیهی است که غفلت از فراگیری و ترویج عقیده صحیح و پرداختن به فروع و مسائل جانبی و به تعبیری دیگر غفلت از ضروریات و معرفت درست نسبت به ذات باری تعالی و اصول اولیه اسلام و مشغول شدن به جزئیات و مستحبات آن هم به میزانی که از اهمیت اصول و عقاید اولیه بکاهد، چندان نتیجه مطلوبی نخواهد داشت و زحمتهای و کوششهای فراوانی هدر خواهد رفت. زیرا زمانی یک کشاورز می‌تواند از پاشیدن بذر نتیجه مطلوب و محصول قابل توجهی برداشت نماید، که قبلاً زمینی مساعد، برای پذیرش بذر فراهم گردانیده باشد و اگر نه، پاشیدن بذر در هوا هرگز ثمره‌ای نخواهد داشت. همینطور زحمات دعوت گران و رجال دینی زمانی می‌تواند نتیجه مطلوب داشته باشد که قبل از هر چیز، موضوع عقاید را مورد توجه قرار دهند و ترویج عقیده صحیح را سر لوحه برنامه خویش گردانند. اگر چه پدید آمدن مظاهر عبادت و اطاعت ظاهری خالی از عقیده درست و تهی از باور صحیح، و شناخت عمیق، ممکن است در اندک زمانی انجام گیرد، و از کمیت بالایی نیز برخوردار باشد، اما باید اذعان داشت که اینگونه مظاهر با اندک اصطکاک و برخوردی به سرعت فرو خواهد ریخت و دز برابر نا ملایمات، و تنشها توان استقامت را از دست خواهد داد و این واقعیتی است که امروز در جوامع متعدد اسلامی به چشم می‌خورد که برخی از مسلمانان با وجود پایبند بودن

به ظاهر اسلام و حفظ شئون ظاهری دین (که ظاهراً تخطی اینگونه افراد از حدود شرعی و نادیده گرفتن اصول بعید به نظر می‌آید اما) در موارد حساس و شرایط خاص، همین افراد اساسی‌ترین ضوابط را زیر پا گذاشته و مهم‌ترین قیود را می‌شکنند، و با اندک فشار و تهدید، تغییر جهت داده و رخ عوض می‌کنند، حتی در برخوردها با منافع شخصی و مصالح شرعی و یا در اصطکاک دستورات دینی و مصالح قومی، اینگونه افراد غالباً جانب مادیات و مصالح قومی را می‌گیرند و با کمال خفت و نادانی شریعت را رها کرده زیر پا می‌گذارند.

### پدیده دین فریبی:

اینجاست که در چنین شرایطی پدیده دین‌گریزی و دین‌فریبی و اگر تعبیر درست باشد بحران تدین در جوامع متعددی ظهور می‌نماید. این پدیده اگر چه کمتر مورد توجه دعوت گران و مصلحان قرار گرفته است، ولی یکی از عمده‌ترین مشکلات امت اسلامی محسوب می‌شود که در پی غفلت از مبادی عقیده و اصول اساسی اسلام و پررنگ نمودن مسائل جانبی و فرعی به وجود آمده است، و در چنین جوامعی عده زیادی با سوء استفاده از دین و تظاهر به اسلام، هولناک‌ترین جنایات را انجام می‌دهند، و چه بسا با پوشش اسلامی و پوسته دینی سخت‌ترین ضربات را بر پیکره دین وارد می‌آورند. باید توجه داشت که بحران تدین اغلب در بین توده کم سواد و نادان، افرادی که از مبادی عقیده بی‌اطلاعند و شناخت کافی از دین ندارند، و در عوض در ظواهر دینی غلو می‌نمایند، پدید می‌آید. اینگونه افراد چون دیانتشان توأم با شناخت نیست و عملشان تهی از یقین و باور می‌باشد و حرکتشان نیز بر پایه قوی و محکم بنا نشده است، هیچگاه نمی‌توانند صلاحیت و شایستگی مطلوب را داشته باشند.

### اصلاح عقیده نخستین هدف، در روش تربیتی

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وسلم):

به همین دلیل است که در روش تربیتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) که خود روشی الهی و خدایی است و انجام مأموریتی است از جانب الله، نخست اصلاح عقیده و



و عجایبی شدند، که در طول تاریخ بی نظیر و بی مانند می‌باشد. آنها با اعتقاد به الوهیت و عظمت الله و اعتقاد به اینکه تنها قادر مطلق و توانای حقیقی در دنیا فقط اوست، و علم و قدرتش، تدبیر و مشیبتش، ملک و جبروتش، رحمت و مغفرتش بر تمام اجزای هستی و ذرات جهان فراگیر و هیچ چیز از حیطة قدرت او خارج نمی‌باشد، و آنها خود بندگان وی، بندگان که جان و دل و روح و روانشان در اختیار مولاست، و هر لحظه رضایش را می‌جویند و از خشمش گریزانند، توانستند مرتفع‌ترین قله‌های اطاعت و بندگی انقیاد و فرمانبرداری را فتح نمایند، آنگاه که از خود در آمدند و خواسته‌ها و آرزوهای خویش را به فراموشی سپردند و از انگیزه‌های نفسانی و شهوات مادی و طمعها و خواهشات خویش، خود را رها کرده و جز رضای حق چیزی دیگر را هدف قرار ندادند، توانستند مسیر تاریخ را عوض نمایند و سرنوشت جدیدی را برای بشریت رقم زنند.

آری: با این وصف جای تعجب نخواهد بود اگر کتابهای سیرت از درسهای ایثار و خود گذشتگی، تقوی و پرهیزگاری، شجاعت و شهامت آنها مملو بوده و نمونه‌های شگفت آوری را، که بیانگر اعتقاد جازم و یقین وصف ناپذیرشان می‌باشد، تقدیم انسانها نماید.

یقیناً این قوت اعتقاد و یقین است که حنظله (رضی الله عنه) را در شب زفاف آرام نمی‌گذارد و چون صدای چکاوک شمشیرها را می‌شنود به سرعت خود را به میدان جنگ می‌رساند و جام شهادت را سر می‌کشد و توسط ملایکه غسل داده می‌شود و یا آن صحابی دیگر چون اذعان دارد که با پرواز روحش و شهادت اگر نصیبش بشود به لقاء خدا و نعمتهای جاویدان جنت دست می‌یابد، فرصت را غنیمت شمرده و خرماهایی را که مشغول خوردنشان می‌باشد ریخته و به عشق جنت به به کنان به صفوف دشمن یورش می‌برد و به شهادت می‌رسد.

و همینطور قوت عقیده است که ماعزاسلمی را بعد از ارتکاب زنا به مجلس پیامبر می‌کشاند و با اعتراف مکرر و اصرار پی در پی خواهان اجرای حدّ می‌شود، تا مبادا با بار

ایجاد تغییر در افکار و باورهای موجود، مورد هدف قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) طبق مأموریتی که از جانب الله به وی داده می‌شود، مدت مدیدی از تلاشهای خویش را بعد از بعثت، صرفاً منحصر در تحکیم پایه‌های عقیده و تصحیح باور مردم می‌گرداند و در این مدت غیر از این موضوع به هیچگونه حکم و تکلیفی دیگر مردم را دستور نمی‌دهد. حتی فرایض اصلی و ارکان اساسی دین مانند نماز، روزه، حج و غیره هر کدام سالها بعد از بعثت فرض شدند، نماز دوازده سال و روزه پانزده سال و حج بیست و دو سال بعد از بعثت فرض گردیدند و روشن است که در طول این سالیان طولانی که مسلمانان به انجام فرایض و احکام خاصی مکلف نشده بودند، پیامبر و یاران تازه مسلمانان مشغول پیرایش قلبها و شستشوی مغزها و فراهم نمودن زمینه پذیرش احکام و دستورات اسلام در وجود افراد بودند. و چون تغییر باورها و ایجاد تحول در افکار و عقاید انسانها، کاری بس دشوار و طاقت فرساست، می‌بینیم مدت زمان نسبتاً طولانی از دعوت پیامبر به انجام این مهم اختصاص داده می‌شود و در این مدت نزول احکام و صدور قوانین از جانب الله تا زمان مساعد شدن بستر مناسب جهت پذیرش احکام شرع، به تعویق می‌افتد. و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) در این فرصت، مجدداً در تحکیم عقیده صحیح و ترسیخ ریشه‌های توحید و ایجاد رابطه قوی و عمیق بین انسانها و خالقشان و تشریح مفاهیم ﴿لا اله الا الله﴾ و اصلاح اساسی باطن می‌کوشد.

### جلوه‌هایی از بروز عقیده در لحظات سرنوشت

ساز:

رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) با روش حکیمانه و اسلوب تربیتی بی نظیر خویش، که ساختار عقیده را اساس کار خویش قرار داده بود، موفق به تربیت و ساخت نسلی به نظیر شد نسلی که منشأ بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین تحول در دنیا گردید. نسلی که با الهام گرفتن از ﴿لا اله الا الله﴾ و تبلور ایمان و عقیده جازم که مصدر هر فضیلت و سبب نجات از هر پستی و زیونی است، پدید آورندگان شگفتیها

گناه و دامنی آلوده روز محشر به بارگاه الهی حاضر شود. همچنین عقیده جازم بود که ربیع بن عامر را چنان قوت بخشید که توانست رستم فرخزاد را با قدرت و شوکتش و بلکه جاهلیت را با تمام مظاهر پوشالیش به استهزا گیرد و از افقی بالا و بلندای ایمان، با قدرت و عزت تمام سخن حق را به سمعشان برساند و همه را مات و مبهوت گرداند. و آیا جای تعجب است هنگامیکه عمرو بن عاص (رضی الله عنه) از خلیفه وقت عمر فاروق (رضی الله عنه) درخواست نیروی کمکی می نماید و خلیفه به جای اینکه در صدد فراهم نمودن سپاهی ده هزار و یا پنج هزار نفری در آید. فقط به اعزام نمودن چهار نفر اکتفا می نماید و معتقد است که قدرت ایمان و عقیده این چهار نفر کار یک لشکر و سپاه را انجام می دهد.

البته نباید فراموش کرد که این دسته از انسانهای وارسته از خصوصیات و خصلتهای بشری خویش در نیامده و در صف ملایکه قرار نگرفته بودند، و آنها هرگز از این سخن پیامبر که «کل بنی آدم خطاء» استثناء نبودند و چه بسا اوقات برخی از آنها مرتکب لغزشاتی نیز شدند و بر بعضی حد زنا و حد شرب خمر، و حد سرقت و غیره اجرا شد، و در مواردی مورد عتاب و سرزنش الهی قرار گرفتند، مانند:

﴿منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة﴾<sup>(۱)</sup> و  
 ﴿مالکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم فی الارض﴾<sup>(۲)</sup> اما با وجود این خصوصیات بشری آنچه آنها را از دیگران ممتاز گردانیده بود، و به سرعت از ارتکاب معصیت در خود می سوختند و توان تحمل خشم الهی را نداشتند، عقیده جازم و یقین بی مانند آنها بود.

### نقش عقیده در ساختار و وحدت امت:

اغلب در تعریف امت چنانکه در جامعه شناسی جاهلی به چشم می خورد، مشترکاتی از قبیل رنگ، نژاد، سرزمین و زبان را ملاحظه می نمایند و با مبنا قرار دادن این عناصر امت را تعریف می کنند و معتقدند، افرادی که از یک رنگ و نژاد هستند و یا در یک سرزمین زندگی می کنند و یا با یک لغت سخن می گویند، امت را تشکیل می دهند. و این در حالیست که نظریه فوق را می توان از جهات متعدد مورد

تردید قرار داد. زیرا قبل از هر چیز در تشکیل هر مجموعه ای باید اعضای آن مجموعه در انتخاب مصالح مشترک بین خود اختیار داشته باشند تا در پذیرفتن و نپذیرفتن آن مجموعه قدرت انتخاب داشته باشند، و اجباراً و اکراهاً به سلکی گردن نهند و طبق نظریه فوق هیچکدام از عناصر تشکیل دهنده یک امت در اختیار افراد نمی باشد. چون مسلم است که از هیچ فردی در تعیین سرزمین زادگاهش نظر خواهی نشده است، و همینطور هیچ فردی در تعیین رنگ، نژاد و انتخاب زبان، اختیاری نداشته است، و به همین جهت است که اینگونه معیارها در اسلام هیچ ارزشی ندارند، و هرگز ملاک ارزیابی و سنجش افراد قرار نمی گیرند، بنابراین، این چنین عناصر، هیچوقت نمی توانند تشکیل دهنده اجزای یک امت باشند. بلکه آنچه می تواند در تعریف و ساخت امت نقش اساسی داشته باشد، معتقدات و ارزشهایی است که یک امت به آن دل داده است و در راه تحقق بخشیدن و محافظت آنها از نفس و نفیس خود می گذرد و یقیناً امتی که بر این اساس پدید آید، و عناصر مشترک افرادش، باورها و اعتقادات باشد و عقیده صحیح آنها را به یکدیگر مرتبط گرداند. به مراتب متفاوت خواهد بود با امتهای مادی و جاهلی که اغلب پیوندشان بر اساس مصالح مادی می باشد، مصالحی که بعضاً در بین حیوانات یک چراگاه و یا گوسفندان یک مزرعه نیز به چشم می خورد.

اینجاست که امت عقیده، امت ایده و اعتقاد، بر خلاف بقیه امتهای همواره در حال رشد و تعالی است، و نشاط و فن آوری، صلاحیت و تازگی اش، هیچگاه متوقف نمی شود، بر خلاف نظریه مشهور ابن خلدون، جامعه شناس معروف جهان اسلام مبنی بر اینکه حکومتها و امتهای تاریخی بعد از مدتی که سیر صعودی دارند دوباره به مرور زمان دچار پیری و فرو پاشی می شوند، اما «امت عقیده» هرگز دچار پیری نمی شود و اگر بر معتقدات و باورهای خویش استوار

۱- سوره، آل عمران، آیه ۱۵۱

۲- سوره توبه، آیه: ۳۸



باشد همیشه در حال رشد و نمو، پیشرفت و ترقی می‌باشد.

### نقش عقیده در عبادات:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

با توجه به اینکه عقیده چون روحی است در کالبد اعمال و در تمام جزئیات زندگی نقش دارد، بی ارتباط نخواهد بود اگر نقش عقیده را در عبادات نیز بررسی نماییم روشن است یکی از مواردی که جاهلیت شدیداً در آن دچار گمراهی و انحراف بود، قضیه عبادت است و به همین دلیل این موضوع در اسلام زیاد مورد توجه قرار گرفته است، و در قرآن نیز تأکیدات فراوان بر آن شده است.

و اگر چنانچه انحرافات پدید آمده در عبادات را چه در دوره جاهلیت و چه بعد از آن در جوامع اسلامی مورد بررسی دقیق قرار دهیم، به این نتیجه خواهیم رسید که تمام این انحرافات، زائیده انحرافات است که در عقاید وجود داشته است، و هر گاه عقیده دچار انحراف شده است عبادات نیز در پی آن دستخوش تغییر و تحول گردیده است، و هر زمان عقیده در قالب اصلیش محفوظ مانده است، عبادات نیز صحیح و سالم مانده است، و چون عبادت مظهري از باور و معتقدات یک فرد است، و اعتقادات نقش مهمی در شکل‌گیری عبادات دارند، اغلب در طول تاریخ باورهای غلط و اعتقادات نادرست، سبب شده است که برخی از انسانها در نحوه عبادت دچار انحراف شوند، و عبادتی که به شکلهای مختلفش فقط از آن الله است برای غیر الله انجام گیرد و نهایتاً مرتکب شرک شوند. مگر مشرکین برای توجیه سجده‌شان در برابر بتها و تقدیس و تعظیم بیش از حد واسطه‌ها، برای رسیدن به خدا به این باور و اعتقادشان استناد نمی‌کردند که ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾<sup>(۲)</sup> ما اینها را به خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک می‌کنند عبادت می‌کنیم. این خود بیانگر پندار و تصور اشتباهی است که آنها به آن دچار بودند، و هیچ بعید نیست که در طول تاریخ این پندار غلط چنانچه سبب گمراهی و انحراف آنها در عبادت شده بود، سبب

گمراهی امتهای متعدد دیگری نیز بشود.

### نقش عقیده در جهان بینی مسلمانان:

مسلمان بنابر عقیده‌ای که دارد، تصورش از جهان و موجوداتی که در آن وجود دارد تصور خاصی است و از آنجاییکه جهان بینی اش برگرفته از کتاب الله و سنت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) می‌باشد، بینش نسبت به جهان و تحولات آن به مراتب متفاوت است با بینش کسانی که تھی از این عقیده هستند. در اعتقاد مسلمان، تمام پدیده‌های جهان و تحولات هستی به اراده و مشیئت خالق کائنات انجام می‌گیرد و هیچ تحولی خارج از اراده او و هیچ حرکتی بدون از خواسته او تحقق نمی‌یابد بلکه تمام هستی در قبضه قدرت او می‌باشد. و اینجاست که این باور در تمام تجزیه و تحلیل‌های علمی و تجربی مورد نظر مسلمان قرار می‌گیرد و چون همه چیز را به خدا مرتبط می‌داند بنابر این استنباطش از شگفتیهای جهان و عجایب مخلوقات و برداشتش از پیچیدگی و دقت به عمل آمده در نظام هستی، همواره وی را بیشتر به خدا نزدیک می‌گرداند و اعتقادش را به عظمت و قدرت الهی عمیق‌تر می‌گرداند.

### نقش عقیده در اخلاق:

با بررسی آیات قرآن به ارتباط عمیق عقیده و اخلاق پی می‌بریم زیرا اخلاق در واقع عمل به عهد و میثاقی است که بنده با ربش بسته است، و بر اساس آن عهد و پیمان از حدود و قیود مورد نظر تجاوز نمی‌کند. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الّذِي وَاتَّقُوا بِهِ اِذْ قُلْتُمْ سَمْعًا وَاطْعَنًا﴾<sup>(۳)</sup> «یاد کنید نعمت خدا را بر خود و آن عهد و پیمانی که از شما گرفت، هنگامیکه گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم.

اخلاق در واقع عمل به سمعنا و اطعنا است. و از زوایه دیگر، اخلاق موانعی هستند برای جلوگیری از شهوات و بی بند و باریها و مفسد که در طول تاریخ به کثرت جوامع

۱- سوره انعام، آیه: ۱۶۲

۲- سوره زمر

۳- سوره مائده، آیه: ۷

بشری را مورد تهدید قرار داده است، و همواره زمامداران و قانونگذاران، برای نجات از خطرات جدی مفسد و منکرات تدابیری می‌اندیشیدند و دست به اقداماتی می‌زدند، برخی از قدرت و زور استفاده می‌نمودند و برخی هم با استناد به قانونهای وضعی در صدد کنترل جوامع بر می‌آمدند، که با شهادت تاریخ هیچگاه اقدامات انجام شده کارگر نبوده است و فساد و فتنه همیشه در چنین جوامعی در حال رشد و گسترش بوده است، اما در اسلام چون اخلاق و عقیده ارتباط عمیق دارند و از دیدگاه مسلمانان رعایت اخلاق، عمل به عهد پیمانی است که مسلمان با ربش بسته است، همواره مسلمان، خود را موظف به رعایت اصول اخلاقی می‌داند. و چون عقیده به آخرت و پاداش اعمال در روز قیامت جزء اصول اعتقادی مسلمانان است، مسلمانان واقعی همواره از گناه و معصیت‌گریزان بودند و اگر بعضاً هم مرتکب گناه می‌شدند به سرعت خود را برای اجرای حد الهی معرفی می‌کردند. و این حقیقتی است که در زندگی مسلمانان نخست، آنگاه که عقاید و باورها دسرخوش تغییر و دچار ضعف نشده بودند به کثرت مشاهده می‌شود.

بنابر این توضیح روشن گردید که عقیده در جهت دادن اخلاق و کنترل مفسد نقش مهمی دارد.

در پایان به خاطر گریز از اطالۀ بحث، اختصاراً عرض می‌کنم که اصلاح عقیده و تصحیح آن، تأثیر عمیقی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارد، و جای دارد، جهت پدید آمدن اصلاحات اساسی در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان اعم از عبادات و معاملات، اخلاق و معاشرت، افکار و اندیشه‌ها، گامهای اساسی در تبیین عقاید و تشریح معتقدات اسلامی برداشته شود.

﴿ و ما ذالک علی الله بعزیز ﴾

#### مراجع:

- ۱- العقائد الاسلامیة / سید سابق
- ۲- العقیدة الاسلامیة / عبدالرحمن حسن حبنکه
- ۳- العقیده و اثرها فی بناء الجیل / شهید عبدالله عزّام
- ۴- فی التریبة الجهادیة و البناء / شهید عبدالله عزّام
- ۵- مع الله / محمد الغزالی
- ۶- لا اله الا الله عقیده و شریعة / محمد قطب
- ۷- واقعتنا المعاصر / محمد قطب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی